

Salvation in the Light of Clinging to Ahl al-Bayt (PBUT) and Companions, Criticism of Fakhr Razi's View under the Verse of Maudt

Hamed Dejabad  *

Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran

Extended Abstract

1. Introduction

The verse of Maudt is among the verses that were revealed about the virtues of the Ahl al-Bayt of the Prophet (PBUH) and their special status, and it mentions the need to show mercy to them. Also, some have considered this verse as one of the reasons for the Imamate and excellence of Hazrat Ali (PBUH). But some of the Sunni commentators under this honorable verse have tried to introduce the love of the Companions along with the love of the Ahl al-Bayt (AS), by making claims to introduce only the Sunnis as the people of salvation. Fakhr Razi, after mentioning some narrations about the virtues of Ahl al-Bayt (AS) and the need to love them, citing the hadith of "Noah's Ark" and the hadith of "Companions of the Prophet" claims that in order to get rid of the waves of doubts and lusts, in addition to a safe ark, we also need the guidance of bright stars and the Sunnis, because they are on the ship of the Ahl al-Bayt (AS) and keep their eyes on the stars of the Companions, they are the people of salvation and happiness in this world and the hereafter. This research, with a descriptive and analytical method, with an emphasis on the verses that talk about the characteristics of Noah's ark and the story of Noah's storm, aims to refute Fakhr Razi's claim.

2. Literature Review

Regarding this claim of Fakhr Razi, which can be referred to as the

* Corresponding Author: h.dejabad@ut.ac.ir

How to Cite: Dejabad, H. (2024). Salvation in the Light of Clinging to Ahl al-Bayt (PBUT) and Companions, Criticism of Fakhr Razi's View under the Verse of Maudt, *Journal of Seraje Monir*, 15(49), 83-108. DOI: 10.22054/ajsm.2024.76440.1978

"Theory of Salvation in the Light of Adherence to Atrat and Companions", there has not been any independent research regarding Fakhr Razi's point of view (especially the answer to him regarding the characteristics of Noah's Ark from the perspective of the Holy Qur'an); therefore, it is necessary to have a discussion about this.

3. Methodology

The critical analysis method is used in this research.

In this article, the claim of Fakhr Razi is evaluated in two parts: 1. About the narration of "Companions of Kalanjum" and its documental and brokerage examination, and 2. About the hadith of "Noah's Ark" and the characteristics of this ship in the Holy Quran.

4. Results

This research with a descriptive and analytical method, emphasizing the verses that talk about the characteristics of Noah's ark and the story of Noah's storm, aims to refute Fakhrazi's claim and concludes that according to the attributes mentioned in the Holy Qur'an for Noah's ark, as well as considering the lack of documentary validity and brokering of the "Sahabi Kalanjum" narration, true clinging to the Ahl al-Bayt (PBUT) is the cause of salvation and its lack is equal to destruction.

5. Conclusion

This research with a descriptive and analytical method, emphasizing the verses that talk about the characteristics of Noah's ark and the story of Noah's storm, aims to refute Fakhrazi's claim and concludes that according to the attributes mentioned in the Holy Qur'an for Noah's ark, as well as considering the lack of documentary validity and brokering of the "Sahabi Kalanjum" narration, true clinging to the Ahl al-Bayt (PBUH) is the cause of salvation and its lack is equal to destruction.

Keywords: Safina Nuh, Ashabi Kalanjum, Ahl al-Bayt (AS), Fakhr Razi.

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی

دانشیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حامد دژآباد * 

چکیده

برخی از مفسران اهل سنت سعی نموده‌اند ضمن داخل نمودن محبت صحابه در کنار محبت اهل بیت (ع)، با طرح ادعاهایی فقط اهل سنت را اهل نجات معرفی نمایند. فخر رازی بعد از ذکر روایاتی در فضایل اهل بیت (ع) و لزوم محبت به ایشان با استناد به حدیث «سفینه نوح» و حدیث «اصحابی کالنجوم» ادعا می‌کند که برای رهایی از امواج شبهات و شهوات علاوه بر سفینه مطمئن، محتاج به راهنمایی ستارگان درخشان نیز هستیم و اهل سنت چون بر سفینه اهل بیت (ع) قرار گرفته و چشم به ستارگان صحابه دوخته‌اند، اهل نجات و سعادت دنیوی و اخروی هستند. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی با تأکید بر آیاتی که درباره ویژگی‌های سفینه و ماجرای طوفان نوح صحبت می‌کند درصدد رد ادعای فخر رازی است و نتیجه می‌گیرد که با توجه به اوصافی که در قرآن کریم برای سفینه نوح ذکر شده و نیز نظر به عدم اعتبار سندی و دلالی روایت «اصحابی کالنجوم» تمسک واقعی به اهل بیت (ع)، موجب نجات و عدم آن، مساوی با هلاکت می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: سفینه نوح، اصحابی کالنجوم، اهل بیت (ع)، فخر رازی.

طرح مسئله

فخر رازی ذیل آیه مودت (قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (شوری/۲۳) بعد از ذکر روایاتی در فضایل اهل بیت (ع) و لزوم محبت به ایشان، این آیه شریفه را منصب عظیمی برای صحابه برشمرده و محبت صحابه را نیز به همراه محبت اهل بیت (ع) داخل در تعبیر «القربی» دانسته و وجوب حب اهل بیت (ع) و حب صحابه را حاصل آیه مطرح می‌کند و این نتیجه را تأییدی بر دیدگاه اهل سنت برمی‌شمارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷: ۵۹۵).

وی سپس با ذکر حدیث «سفینه نوح» و حدیث «اصحابی کالنجوم» ادعا می‌کند که برای رهایی از امواج شبهات و شهوات علاوه بر سفینه مطمئن، محتاج به راهنمایی ستارگان درخشان نیز هستیم؛ لذا اگر کسی در سفینه اهل بیت (ع) بوده و نگاهش به ستارگان راهنما باشد از این امواج به سلامت عبور می‌کند. فخر رازی مدعی است که اهل سنت چون بر سفینه اهل بیت (ع) قرار گرفته و چشم به ستارگان صحابه دوخته‌اند، اهل نجات و سعادت دنیوی و اخروی هستند (همان).

سؤالاتی که در این مقام می‌توان مطرح کرد این است که اساساً روایت «اصحابی کالنجوم» نزد فریقین معتبر است یا خیر؟ آیا قرار داشتن در سفینه اهل بیت (ع) و تمسک به ایشان به تنهایی می‌تواند انسان را به مقصود و مطلوب برساند یا چنانکه فخر رازی مدعی است حتماً باید با تمسک به صحابه نیز همراه باشد؟

در خصوص پیشینه این بحث باید گفت که درباره «آیه مودت» و مصادیق «القربی» زیاد بحث شده است، به عنوان نمونه علی اکبر بابایی در مقاله «پژوهشی در آیه مودت» (مجله معرفت، ۴۸: ۶۳) درباره قسمت مستثنای آیه (إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) و نیز مفردات آیه و خصوصیات آن با توجه به روایاتی که در تفسیر آن وارد شده، به بررسی معنای آیه اقدام نموده است. مقاله نقد تحلیلی شبهات متنوع ابن تیمیه مربوط به آیه «مودت» (پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۵۲: ۱۶۲) نیز درصدد پاسخ به شبهات ابن تیمیه است که تلاش نموده است تا مفهوم واقعی تعبیر «موده فی القربی» را، محدود به حفظ رابطه

خویشاوندی با خویشان پیامبر (ص) و عدم آزار رسانی به آنان نماید. مقاله تفسیر تطبیقی آیات قربی و اولی الامر از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و فخر رازی و آلوسی نوشته ساره ملایی پور، مقاله تحلیلی بر مفهوم آیه مودّت و رابطه آن با اجر حضرت ابراهیم علیه السّلام، مقاله امامت اهل بیت علیهم السّلام بر مبنای آیه مودت و... فیض همگی درصدد تفسیر آیه مودت یا تعیین مصادیق «القربی» هستند. درباره روایات «اصحابی کالنجوم» نیز کتابی با همین نام به همت آیه الله سید علی میلانی نوشته شده است. مقاله‌ای نیز با عنوان "نقد و بررسی سندی و دلالتی حدیث «اصحابی کالنجوم» توسط حسن ترکاشوند نوشته شده است که در مقام رد سندی و دلالتی این روایت است؛ اما پیرامون این ادعای فخر رازی که می‌توان از آن به عنوان «نظریه نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه» یاد کرد، پژوهش مستقلی ناظر به دیدگاه فخر رازی (خصوصاً پاسخ به وی با توجه به ویژگی‌های سفینه نوح از دیدگاه قرآن کریم) دیده نشده است؛ لذا ضروری است که در این خصوص بحثی صورت پذیرد. در این نوشتار، مدعای فخر رازی در دو بخش: ۱. درباره روایت «اصحابی کالنجوم» و بررسی سندی و دلالتی آن، و ۲. درباره حدیث «سفینه نوح» و ویژگی‌های این سفینه در قرآن کریم، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. بررسی روایت «اصحابی کالنجوم»

این روایت در دو بخش، یکی سند و دیگری دلالت، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد:

۱-۱. بررسی سندی

این روایت را شش نفر از صحابه از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند: عبدالله ابن عمر، ابوهریره، عمر بن خطاب، ابن عباس، جابر و انس بن مالک. با جستجو در منابع رجالی و سخنان اهل فن در میان اهل سنت روشن می‌شود که سند این حدیث با همه طرق آن مورد خدشه می‌باشد و نسبت به آن هم تضعیف عام و هم تضعیف خاص وجود دارد (ر، ک: ترکاشوند، ۱۳۹۵: ۱۳۳). این روایت بر اساس منابع رجالی اهل سنت و به تصریح برخی از علمای برجسته آنان ضعیف است. مثلاً ابن تیمیه در این باره می‌نویسد: «وَأَمَّا قَوْلُهُ أَصْحَابِي

كَالْجُومِ فَبِأَيِّهِمْ إِقْتَدَيْتُمْ إِهْتَدَيْتُمْ فَهَذَا الْحَدِيثُ ضَعِيفٌ ضَعْفُهُ أَهْلُ الْحَدِيثِ قَالَ الْبَزَارُ هَذَا حَدِيثٌ لَا يَصِحُّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَيْسَ هُوَ فِي كُتُبِ الْحَدِيثِ الْمُعْتَمَدَةِ؛ (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۸: ۳۶۴) این حدیث ضعیف است و اهل حدیث به ضعف آن حکم داده‌اند. بزار می‌گوید: این حدیث از رسول الله صحیح نیست و در کتب قابل اعتماد حدیث ذکر نشده است.

البانی تصریح می‌کند که ابن عبدالبر در کتاب «جامع العلم» و ابن حزم در کتاب «الاحکام» به خاطر وجود اشخاص مجهول و ضعیفی در اسناد این روایت همچون حارث بن غصین و سلام بن سلیمان قابل استناد نیست و سلام بن سلیمان بدون شک احادیث موضوعه را روایت می‌کند (البانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۱۴۴).

این روایت دارای اسانید متعددی است که چنانکه اجمالاً به نقل از دانشمندان اهل سنت نقل گردید همه طرق آن ضعیف و غیرقابل استناد بوده و در کتب حدیثی معتمد نقل نشده است (ر.ک، میلانی، ۱۴۲۹ ق: ۶۱- ترکاشوند، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

۲-۱. بررسی دلالی

این روایت از جهت دلالی نیز مورد تأیید نیست.

اولاً: این روایت با آیاتی که برخی از صحابه در آن‌ها مورد مذمت قرار گرفته‌اند منافات دارد مثلاً در سوره انفال (آیه ۱۵ و ۱۶) و در سوره توبه (آیه ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۸، ۸۶، ۸۷، ۱۰۷) و سوره جمعه (آیه ۱۱). به عنوان نمونه خداوند در آیه ۳۸ و ۳۹ سوره توبه با لحن ملامت آمیزی می‌فرماید: «أَرْضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»؛ آیا به این زندگی دنیا، بجای زندگی آخرت راضی شدید؟ با این که فوائد و متاع زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت امری ناچیز است.

بعد از لحن ملامت آمیز به شکل یک تهدید جدی می‌فرماید: «إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَاباً أَلِيماً» اگر شما به سوی میدان جنگ حرکت نکنید خداوند به عذاب دردناکی مجازاتتان خواهد کرد.

در آیه ۸۷ سوره توبه نیز آن‌ها را با این جمله مورد ملامت و مذمت قرار می‌دهد که

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دزآباد | ۸۹

«رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ»؛ آن‌ها راضی شدند با متخلفان باقی بمانند و بر قلب‌هایشان مهر زده‌شده، به همین دلیل چیزی نمی‌فهمند.

ثانیاً: در خود روایت قرائنی است که مانع ظهور حدیث در تمام صحابه است، زیرا در مسئله هدایت، صحابه به ستارگان تشبیه شده‌اند اما روشن است که همه ستارگان هدایتگر نیستند، بلکه برخی ستارگان به خاطر جایگاه ویژه خود می‌توانند هدایتگر مردم باشند. روشن است که هر ستاره‌ای هدایتگر انسان در دریا و خشکی نیست بلکه ستارگان خاصی هستند که ویژگی اهتدا دارند و به خاطر همین است که خداوند فرمود: «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» (نحل: ۱۶). باید توجه داشت که در آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام: ۹۷) «آل» در «النجوم» برای عهد است و برای استغراق نیست و منظور ستارگان خاصی هستند که عرب در آن زمان در خشکی و دریا به عنوان هدایتگری از آن‌ها بهره می‌بردند (سبحانی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱۰: ۱۵۹).

دینوری (م ۳۰۸ ق) در تفسیر الواضح و طبری (م ۳۱۰ ق) در جامع البیان و سمرقندی (م ۳۹۵ ق) در تفسیر بحر العلوم تنها از ستاره فرقدان و جدی یاد کرده‌اند (دینوری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱: ۴۳۱-طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۶۳-سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۶۸) صاوی از دیگر مفسران اهل سنت نیز ستاره ثریا، بنات نعش، فرقدان و جدی را طرح می‌نماید (صاوی، ۱۴۲۷ ق، ج ۲: ۲۶۱). طبرانی نیز (م ۳۶۰ ق) در التفسیر الکبیر از همین ستارگان (غیر از جدی) نام می‌برد (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴: ۶۱) این قول در منابع اهل سنت با تفاوت اندکی در برخی مصادیق به سدی، ابن سائب و ماوردی نسبت داده شده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۵۵۴)

خفاجی نیز مراد از نجم را «خنس» می‌داند (خفاجی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵: ۵۶۴) شیخ علون در الفواتح الالهیه مراد از نجم را ستارگان شناخته‌شده نزد دریانوردان می‌داند (۱۹۹۹، ج ۱: ۴۲۳)

برخی مفسران اهل سنت نیز گرچه «آل» را جنس می‌دانند اما مقصود از نجوم را

ستارگانی همچون ستاره قطب می‌داند که مردم برای اهتدا می‌شناختند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۳: ۹۸).

ثالثاً: همچنین این روایت با برخی روایاتی که اهل سنت از رسول‌الله (ص) نقل می‌کنند و دلالت بر منع از اقتدا به صحابه دارد، تعارض دارد، روایاتی همچون: «تَكُونُ بَيْنَ أَصْحَابِي فِتْنَةً يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُمْ سَابِقَتَهُمْ إِنْ أَقْتَدَى بِهِمْ قَوْمٌ مِنْ بَعْدِهِمْ كَبَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ» (متقی هندی: ۱۹۸۹، ج ۱۱: ۲۹۴).

رابعاً: عدم استناد و احتجاج صحابه به این روایت و نیز تعارض در سیره صحابه، خود گواه دیگری بر نادرستی این ادعاست. بررسی سیره صحابه نشان می‌دهد که موردی نمی‌توان یافت که فردی از آنان با استناد به این روایت، دیگران را دعوت به اطاعت از خود کرده باشد. هیچ محقق اهل سنتی استناد و احتجاج صحابه به این روایت را گزارش ننموده است. بدیهی است که قائلان به استناد و احتجاج باید دلیلی بر این کار ذکر کنند.

آیت‌الله سبحانی با توجه به منابع اهل سنت با اشاره به برخی جنایات صحابه می‌نویسد: «اگر فرض کنیم که اهتدا درباره همه ستارگان صادق باشد چگونه همه صحابه می‌توانند به‌عنوان ستاره‌ای درخشان هادی امت باشند. قدامه بن مظعون از صحابه‌ای است که در جنگ بدر حضور داشته و جزو سابقون اول محسوب می‌شود و از مهاجرین به حبشه و مدینه است اما با این اوصاف شرب خمر کرد و عمر حد را بر او جاری کرد. همچنین مشهور است که عبدالرحمن فرزند عمر بن خطاب نیز شرب خمر کرد. برخی صحابه همچون بسر بن ارطاه جنایات زیادی مرتکب شدند. بعد از این همه جنایات توسط برخی صحابه آیا صحیح است که بگوییم همه صحابه همچون ستارگانی هستند که می‌توان از آن‌ها هدایت پذیرفت؟» (سبحانی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱۰: ۱۵۹).

در میان مهاجران و انصار افرادی بودند که از راه خود منحرف شده و مغضوب رسول‌الله (ص) و مورد خشم و غضب خداوند قرار گرفتند. شیخ طوسی در همین رابطه می‌نویسد: «برخی از سابقون که از بیعت کنندگان رضوان نیز هستند مرتکب خطا شدند همچون طلحه و زبیر که بیعت خود را با امیرالمؤمنین ع شکستند و خون شیعیانش را

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دزآباد | ۹۱

ریختند و بر اموال مسلمین سیطره پیدا کردند. همچنین سعد بن ابی وقاص که او هم از سابقون و از بیعت کنندگان رضوان بود و نیز محمد بن مسلمه...» (طوسی، ص ۱۲۹).
در حوادث و مواقع گوناگونی همچون جنگ جمل که اصحاب در مقابل هم قرار گرفته و یا آلوده به انواع گناه و فجور می شدند (که در ادامه به برخی از آنها بر اساس منابع اهل سنت) اشاره می شود، عمل به این روایت چطور ممکن می گردد؟
برخی از این افراد که در منابع اهل سنت هم از آنان یاد شده عبارتند از:

ابوالغادیه:

بر اساس منابع تاریخی اشخاصی در میان صحابه و «سابقون اولون» قرار داشته اند که بعد از گذشت مدت زمانی مورد غضب خداوند قرار گرفته و دچار سوء عاقبت شده اند. از جمله این افراد ابوالغادیه قاتل عمار یاسر است. ابن تیمیه درباره او می نویسد:
«إِنَّ قَاتِلَ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ هُوَ أَبُو الْغَادِيَةِ وَ كَانَ مِمَّنْ بَايَعَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ وَ هُمُ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ ذَكَرَ ذَلِكَ إِبْنُ حَزْمٍ وَ غَيْرُهُ» (ابن تیمیه حرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۸: ۳۶۴)؛ قاتل عمار بن یاسر همان ابوالغادیه است که جزو بیعت کنندگان زیر درخت بود همان ها که سابقان اولون بودند. این سخن را ابن حزم و دیگران ذکر کرده اند.

درحالی که پیامبر اکرم (ص) درباره وی فرمود:

«وَيَحِ عَمَّارٌ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ يَدْعُونَهُ إِلَى النَّارِ» (بخاری، بی تا، ج ۱: ۱۷۲). عمار را گروه ستمکار می کشند، درحالی که عمار آنها را به سوی بهشت و آنها عمار را به سوی آتش دعوت می کنند. نکته قابل ذکر این است که خود ابوالغادیه نقل کرده که قاتل عمار در آتش است. این موضوعی است که ذهبی را به تعجب واداشته است. ذهبی در میزان الاعتدال می نویسد:

«از ابوالغادیه نقل شده است که گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: کشنده عمار در آتش است؛ و این مایه تعجب است؛ چون خود ابوالغادیه عمار را کشته است» (ذهبی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۴۸۸).

بنابراین کسانی همچون ابوالغادیه هرچند که جزء اصحاب و «السابقون الاولون»

بوده‌اند؛ اما به خاطر اعمالی که پس از نزول آیه انجام داده‌اند، رضایت خداوند از آن‌ها تبدیل به غضب و خشم شده است (دژآباد، ۱۳۹۳: ۴۳۶).

ثعلبه بن حاطب بدری:

یکی از افرادی که در جنگ بدر و أحد شرکت داشته است (ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۲۳۷؛ ابن عبدالبر، ۱: ۲۱۰) و جزء «السابقون الاولون» محسوب می‌شود ثعلبه بن حاطب انصاری است. بر اساس منابع تاریخی و تفسیری اهل سنت، وی جزء دوازده منافقی بوده که مسجد ضرار را بنا نهاده است (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۱۸۶؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۴۰۳).

همچنین او کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای او دعا کرد که ثروتمند شود و تعهد گرفت که زکات و صدقات را به موقع پرداخت نماید؛ اما پس از آنکه به ثروت هنگفتی رسید، تعهداتش را فراموش و از زکات تعبیر به جزیه کرد و از دادن آن به نماینده رسول خدا (ص) خودداری نمود.

ماجرای ثعلبه را بسیاری از مفسران ذیل آیات ۷۵-۷۷ سوره توبه نقل کرده‌اند.

خداوند در این سه آیه می‌فرماید:

«وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (توبه/۷۵) فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ (۷۶) فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (۷۷)؛ از آن‌ها کسانی هستند که با خدا پیمان بسته‌اند که اگر خداوند ما را از فضل خود روزی کند قطعاً صدقه خواهیم داد و از شاگردان خواهیم بود؛ اما هنگامی که از فضل خود به آن‌ها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی گردان شدند. این عمل (روح) نفاق را در دل‌هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند برقرار ساخت، این به خاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و دروغ گفتند.

مشهور در میان مفسران این است که این آیات درباره یکی از انصار به نام «ثعلبه بن

حاطب» نازل شده است (واحدی، ۱۴۱۱ ق: ۲۵۸).

ابن عربی پس از آوردن سخنان مفسران درباره آیه، می‌گوید: این آیه درباره ثعلبه

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دزآباد | ۹۳

نازل شده است و آن را صحیح‌ترین روایات در این رابطه می‌داند (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲: ۵۴۷).

فخر رازی نیز به شهرت این سبب نزول تصریح کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶: ۱۰۵).

از این ماجرا و مضمون آیات چنین استفاده می‌شود که شخص مزبور در آغاز در صف منافقان نبود، ولی به خاطر این گونه اعمال به آن‌ها پیوست. برخی از عالمان اهل سنت صریحاً ثعلبه بن حاطب را در لیست منافقین قرار داده‌اند.

ابوجعفر محمد بن حبیب بغدادی (م ۲۴۵ ق) در کتاب «المجبر»، باب «أسماء المنافقین»، ثعلبه بن حاطب را جزو ۳۶ منافق نام می‌برد (بغدادی، بی‌تا، ج ۱: ۴۶۷ - ۴۶۸).

فروه بن عمرو انصاری:

به تصریح منابع معتبر اهل سنت فروه بن عمرو از کسانی است که در بیعت عقبه اول و نیز در جنگ بدر حضور داشته است؛ وی از کسانی است که در قضیه کشتن عثمان حضور داشت تا جایی که مالک بن انس به همین خاطر از آوردن اسم او در کتابش خودداری و به جای آن از لقبش استفاده می‌کند. برخی از دانشمندان اهل سنت در این خصوص می‌نویسند: «فروه بن عمرو در عقبه و جنگ بدر و دیگر جنگ‌ها در کنار رسول خدا (ص) حضور داشت ... مالک اسم او را در موطأ نیاورده است، ابن وضاح و ابن مزین گفته‌اند که مالک به خاطر این اسم او را نمی‌برده، چون از کسانی است که در کشتن عثمان شریک بوده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۲۶۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۱۷۹).

و این در حالی است که طبق اعتقاد اهل سنت، افرادی که در قضیه کشته شدن عثمان شرکت داشته‌اند، کافر، ستمگر، فاسق و اهل آتش هستند.

ابن حزم اندلسی می‌گوید: «لعن الله من قتله و الراضین بقتله ... سافکون دما حراما عمداً بلا تأویل علی سبیل الظلم و العدوان فهم فساق ملعون» (ابن حزم اندلسی، ۱۳۱۷ ق، ج ۴: ۱۲۳ - ۱۲۵ و نیز رک: ذهبی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۶۵۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۷: ۲۲۲). خدا لعنت کند کسی را که عثمان را کشت، خون حرامی را عمداً و ستمگرانه ریختند، اینان

فاسقان نفرین شده هستند (رک: درآباد، ۱۳۹۳: ۴۳۶).

۲. بررسی حدیث «سفینه نوح»

حدیث «سفینه نوح» حدیثی است که در آن، پیامبر اکرم (ص) اهل بیت (ع) را به کشتی نوح تشبیه کرده است، به طوری که هر کس به اهل بیت (ع) تمسک جوید نجات پیدا کرده و هر کسی که با اهل بیت (ع) نباشد هلاک می گردد. با توجه به اینکه این نوشتار ناظر به دیدگاه فخر رازی می باشد، ضروری است که دو امر مورد توجه قرار گیرد:

۲-۱. اعتبار حدیث «سفینه نوح» در فریقین

از آنجا که حدیث «سفینه نوح» مورد استناد فخر رازی جهت تأیید مدعایش قرار گرفته است، می توان دریافت که این حدیث مورد پذیرش وی می باشد؛ اما جهت دفع هر گونه شبهه و نیز به خاطر تعبیر خاص فخر رازی^۱ درباره این حدیث که ممکن است در اذهان این شبهه ایجاد شود که این روایت در منابع معتبر و متقدم ذکر نشده است، لازم است به اختصار بدین موضوع پرداخته شود.

متن این حدیث در بسیاری از منابع معتبر اهل سنت به چشم می خورد. حاکم نیشابوری با سند خود به نقل از ابوذر می نویسد: «أَخْبَرَنَا مَيْمُونُ بْنُ إِسْحَاقَ الْهَاشِمِيُّ، ثنا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، ثنا يُونُسُ بْنُ بُكَيْرٍ، ثنا الْمُفَضَّلُ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ حَنْشِ الْكِنَانِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ، يَقُولُ: وَهُوَ آخِذٌ بِبَابِ الْكَعْبَةِ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ عَرَفَنِي فَأَنَا مَنْ عَرَفْتُمْ، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۳۷۳). حاکم بعد از این روایت می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ وَلَمْ يُخْرِجَاهُ» (همان).

طبرانی نیز با سند دیگری به نقل از ابوذر می نویسد: «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ، حَدَّثَنَا

۱ - فخر رازی بدون نام بردن از منبع و با تعبیر خاصی می گوید: «سمعت بعض المذکرین قال إنه صلى الله عليه وسلم قال: «مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح من ركب فيها نجا»». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷: ۵۹۶)

مُسْلِمُ بْنُ أَبِرَاهِيمَ، ثنا الْحَسَنُ بْنُ أَبِي جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَيْدِ بْنِ جُدْعَانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، وَمَنْ قَاتَلَنَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَكَأَنَّمَا قَاتَلَ مَعَ الدَّجَالِ» (طبرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۴۵).

طبرانی این روایت را با سند دیگری از ابوسعید خدری نیز نقل کرده است (همان، ج ۲: ۸۴).

به غیر از ابوذر و ابوسعید خدری، این روایت از ابن عباس (قضاعی مصری، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۲۷۳؛ طبری، ۱۳۵۶ ق: ۲۰)، عبدالله بن زبیر (صالحی شامی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱: ۱۱)، ابوالطفیل عامر بن واثله (دولابی رازی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱: ۲۳۲)، انس بن مالک (خطیب بغدادی، بی تا، ج ۱۲: ۹۱) و ... نیز نقل گردیده است.

در منابع شیعی نیز وجود و پذیرش این حدیث امری روشن است (رک: مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۸۷: ۷۰؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۷).

علامه میر حامد حسین به تفصیل درباره راویان و ناقلان این روایت از اهل سنت سخن گفته و اسامی روات حدیث سفینه را از عصر شافعی تا عصر خودش بیان نموده است (میر حامد حسین، ۱۳۶۶، ج ۲۳: ۹۱۴).

لازم به ذکر است که درباره مصداق اهل بیت (ع) در این روایت اولاً خود فخر رازی اهل بیت را همان عترت طاهره و آل رسول^۱ (ص) می داند و به همین خاطر است که بعد از بیان مصداق آل رسول (ص) با استناد به حدیث سفینه و روایت اصحابی کالنجوم سعی می کند بین محبت به اهل بیت (ع) و صحابه جمع کند و اهل سنت را به خاطر تمسک و

۱ - أَنَا أَقُولُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُمُ الَّذِينَ يُؤُولُ أَمْرُهُمْ إِلَيْهِ فَكُلُّ مَنْ كَانَ أَمْرُهُمْ إِلَيْهِ أَشَدَّ وَ أَكْمَلُ كَانُوا هُمُ الْآلُ وَلَا شَكَّ أَنَّ فَاطِمَةَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ كَانَ التَّعَلُّقُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَدَّ التَّعَلُّقَاتِ وَ هَذَا كَالْمَعْلُومِ بِالنَّقْلِ الْمُتَوَاتِرِ فَوَجِبَ أَنْ يَكُونُوا هُمُ الْآلُ فَكُلُّ مَنْ كَانَ أَمْرُهُمْ إِلَيْهِ أَشَدَّ وَ أَكْمَلُ كَانُوا هُمُ الْآلُ وَ لَا شَكَّ أَنَّ فَاطِمَةَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ كَانَ التَّعَلُّقُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشَدَّ التَّعَلُّقَاتِ وَ هَذَا كَالْمَعْلُومِ بِالنَّقْلِ الْمُتَوَاتِرِ فَوَجِبَ أَنْ يَكُونُوا هُمُ الْآلُ» (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۷: ۵۹۵).

محبت به هر دو، نجات یافته معرفی نماید.^۱ ثانیاً: در منابع متعدد اهل سنت که حدیث سفینه را گزارش می‌کنند پیوندی میان این حدیث با حدیث ثقلین (که مورد اتفاق فریقین است) و حدیث تشبیه اهل بیت به «باب بنی اسرائیل» برقرار می‌شود که به روشنی مصداق اهل بیت که همان عترت طاهره هستند معلوم می‌گردد. علامه میر حامد حسین به تفصیل در این خصوص به نقل از منابع اهل سنت مطالب ارزشمندی را گزارش نموده است (میر حامد حسین، ۱۳۶۶، ج ۲۳: ۹۲۶). وی شعری نیز به نقل از شافعی معروف و نیز شعری به نقل از محمد بن طلحه شافعی و ابو عثمان خالدی نقل می‌کند که در آن‌ها صریحاً اشاره به نام علی (ع) یا خمسه اهل العبا شده است (همان: ۹۲۸-۹۱۷). حتی در منابع اهل سنت بجای عبارت اهل بیت گاهی تعبیر «عترتی کسفینه نوح» نیز ذکر شده است. بخصوص که این حدیث در برخی کتب مستقل که درباره فضایل اهل بیت (به معنای مورد نظر شیعه یعنی عترت طاهره) نوشته شده است به عنوان یکی از فضایل مهم ائمه هدی ثبت گردیده است که به خوبی مصادیق را روشن می‌کند (همان: ۹۴۶).

مناوی یکی از شارحان کتاب‌های حدیثی اهل سنت پیرامون حدیث سفینه می‌نویسد: (إِنَّ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي) فَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ وَابْنَاهُمَا وَبَنِيهِمَا أَهْلُ الْعَدْلِ وَالِدَيَانَهُ (فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ) (مناوی، ج ۲: ۶۵۸)

۲-۲. ویژگی‌های سفینه نوح در قرآن کریم

دقت در مفاد احادیث «سفینه نوح» که پیش‌تر از منابع فریقین نقل گردید، نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) اهل بیت گرامی خود را نه به هر سفینه‌ای، بلکه به «سفینه نوح» تشبیه فرمودند. این تشبیه با توجه به ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای این سفینه و نیز شرایطی که سفینه در آن قرار داشت بیان می‌فرماید، در خور دقت است و می‌تواند پاسخ محکمی در

۱ - الحَاصِلُ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ تَذَلُّ عَلَى وَجُوبِ حُبِّ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَحُبِّ أَصْحَابِهِ وَهَذَا الْمَنْصَبُ لَا يُسَلَّمُ إِلَّا عَلَى قَوْلِ أَصْحَابِنَا أَهْلِ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ الَّذِينَ جَمَعُوا بَيْنَ حُبِّ الْعِرَّةِ وَالصَّحَابَةِ وَسَمِعْتُ بَعْضَ الْمَذْهَبِينَ قَالُوا إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْحَابِي كَالنَّجْمِ بِأَيْهِمْ أَقْدَرُتُمْ اهْتَدَيْتُمْ (همان)

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دژآباد | ۹۷

رد مدعای فخر رازی قلمداد شود.

در ترسیم طوفان نوح بر اساس آیات قرآن کریم، وقتی لحظه موعود فرا رسید و فرمان مجازات این قوم سرکش صادر شد، ابرهای تیره و تار همچون پاره‌های شب ظلمانی روی هم متراکم گردید و سراسر آسمان را فرا گرفت و خبر از حادثه بسیار عظیم و وحشتناکی می‌داد.

باران شروع شد، قطره‌ها درشت و درشت‌تر شد و همان‌گونه که قرآن در آیه ۱۱ سوره قمر می‌گوید: «فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ»، گویی تمام درهای آسمان گشوده شده و اقیانوسی از آب از لابه‌لای ابرها فرو می‌ریزد. تعبیر به گشودن درهای آسمان تعبیر بسیار زیبایی است که به هنگام نزول باران‌های شدید به کار می‌رود. به تعبیر برخی از مفسران این باران، باران عادی نبود، بلکه نظیر باز کردن سدی بود که از آمدن آب جلوگیری می‌کرد (طبرسی، بی‌تا، ج ۹: ۲۸۶- طوسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۴۴۷).

نه تنها از آسمان آب زیادی فرو ریخت که از زمین هم آب جوشید، چنان‌که در آیه ۱۲ همان سوره آمده است: «وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا»؛ و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی از آن بیرون فرستادیم.

این دو آب به اندازه‌ای که مقدر بود باهم درآمیختند و سراسر زمین را فرا گرفتند: «فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ» (قمر: ۱۲). آن کشتی آنها را در میان موجی همانند کوه‌ها سیر می‌داد: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ» (هود: ۴۲).

این آیات به خوبی روشن می‌کنند که کشتی نوح در شرایط بسیار وحشتناک و اضطراب‌آوری قرار داشت و ابرهای متراکم باران‌زا همه آسمان را فرا گرفته بود، به طوری که نه آسمانی معلوم بود و نه ستاره‌ای. بنابراین برخلاف ادعای فخر رازی، این سفینه هیچ نیازی به ستارگان راهنما و جهت‌ده نداشتند، بلکه اساساً در آن هوای ابری و بارانی ستاره‌ای دیده نمی‌شد که بخواهند از هدایت آن استفاده ببرند.

به تصریح قرآن کریم این سفینه از همان زمان ساخت تحت مراقبت و راهنمایی خداوند متعال و نیز تحت هدایت عملی خداوند قرار داشت: «وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ

وَحْيًا» (هود: ۳۷). کلمه «عین» در مورد خدای تعالی به معنای مراقبت و کنایه از نظارت است و استعمال جمع این کلمه یعنی کلمه «اعین» برای فهماندن کثرت مراقبت و شدت آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۲۳)

تعبیر به «وحینا» نشان می‌دهد که نوح طرز کشتی ساختن و چگونگی آن را از وحی الهی آموخت، به همین دلیل نوح کشتی را آن‌چنان متناسب با مقصد و مقصود خود ساخت که هیچ کم و کسری در آن نبود.

نکته دیگر درباره این سفینه این است که نوح به پیروانش دستور داد که با نام خدا بر کشتی سوار شوند و به هنگام حرکت و توقف کشتی، نام خدا را بر زبان جاری سازند و به یاد او باشند: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» (هود: ۴۱).

منظور از بردن نام خدا این بوده که از نام مبارک پروردگار برکت گرفته و به آن وسیله خیر را در حرکت و سکون کشتی جلب کند، چون وقتی انسان فعلی از افعال و یا امری از امور را معلق بر نام خدای تعالی کرده و آن را با نام مبارک او مرتبط می‌سازد، همین عمل باعث می‌شود که آن فعل و یا آن امر از هلاکت و فساد محفوظ گشته و از ضلالت و خسران مصون بماند. پس نوح (ع) حرکت و سکون کشتی را معلق به نام خدا کرد و با در نظر گرفتن اینکه سبب ظاهری نجات کشتی همین دو سبب یعنی حرکت و سکون صحیح کشتی است، وقتی این دو سبب کارگر می‌افتد که عنایت الهی شامل حال سرنشینان کشتی باشد و شمول این عنایت به این است که مغفرت الهی شامل خطاهای سرنشینان گردد تا زمینه برای رحمت الهی فراهم گشته، از غرق نجات یابند و آزاد و آسوده در زمین زندگی کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰: ۲۲۷). بر اساس این آیات قوم نوح تنها در صورتی نجات پیدا می‌کردند که سوار بر کشتی شوند و راه نجات دیگری وجود نداشت. امت اسلامی نیز جز با اطاعت و تبعیت از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همان ائمه اطهار باشند راه نجاتی ندارند و راه‌های دیگر به ضلالت ختم می‌شوند؛ «فَمَا ذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ».

تعبیر دیگری که در قرآن کریم درباره این سفینه ذکر می‌شود، نزول به سلامت و

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دزآباد | ۹۹

برکت و استوای این سفینه بر کوه جودی است: «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ...» (هود: ۴۸).

خداوند به آن‌ها اطمینان داد که هیچ‌گونه خطری شما را تهدید نمی‌کند و آن کس که طوفان را برای نابودی طغیانگران فرستاد، هم او می‌تواند محیطی «سالم» و «پربرکت» برای مؤمنان فراهم سازد.

با توجه به آیات فوق، سفینه نوح (ع) سفینه‌ای است که علاوه بر اینکه دستور و کیفیت ساختش از ناحیه خداوند بوده، از ابتدای حرکت تا هنگام توقف و رسیدن به مقصد نیز تحت مراقبت و نظارت خداوند بوده است پس برخلاف نظر فخر رازی این سفینه با این اوصاف بدون نیاز به هدایت ستارگان بلکه با عنایت الهی و همراه با سلامت و برکت به سرمنزل مقصود خواهد رسید.

با توجه به اعتبار احادیث «سفینه نوح» نزد فریقین و نیز با توجه به ویژگی‌های این سفینه در قرآن کریم به‌خوبی اهمیت و پیام حدیث رسول‌الله (ص) در تشبیه اهل بیت (ع) به «سفینه نوح» روشن می‌شود. این کشتی چنانکه اشاره گردید از آغاز تحت هدایت و نظارت الهی بود «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيُنَا» و در موقعیتی طوفانی و پر بارش «بِمَاءٍ مُّتَهَمِرٍ» و در میان امواجی همچون کوه «فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ»، کشتی نشستگان را به سلامت به مقصد رساند «و استوت علی الجودی» و نوح (ع) و مسافران در این سفر پرتلاطم هیچ نیازی به ستارگان راهنما و جهت‌ده نداشتند، بلکه اساساً در آن هوای ابری و بارانی ستاره‌ای دیده نمی‌شد که بخواهند از هدایت آن استفاده ببرند.

بنابراین، در پاسخ به سخن فخر رازی که مدعی شده بود سوار بر کشتی شدن به تنهایی نمی‌تواند سبب نجات شود، بلکه نیاز به ستارگانی هست که جهت را هم نشان دهند، باید گفت که در احادیث «سفینه نوح» که نزد فریقین معتبر است، اهل بیت پیامبر اکرم (ص) به هر سفینه‌ای تشبیه نشده‌اند، بلکه به «سفینه نوح» با ویژگی‌هایی که قرآن کریم بر می‌شمارد تشبیه شده‌اند؛ بنابراین، صرف سوار شدن به سفینه اهل بیت (ع) که همان تمسک واقعی به ایشان است موجب نجات و عدم تمسک به ایشان و تخلف از دستورات

آنان موجب غرق و هلاکت است.

باید توجه داشت که برخلاف ادعای فخر رازی و برخی از دانشمندان اهل سنت، آنچه مایه نجات است تنها محبت و دوستی آن‌ها نیست بلکه سخن از پیروی آن‌ها (در مقابل تخلف) است. توجه به وجه شبه نیز مؤیدی بر دیدگاه شیعه است. وجه شبه چنانکه برخی از دانشمندان هم تصریح دارند نجات است.

مناوی یکی از شارحان کتب حدیثی اهل سنت پیرامون حدیث سفینه می‌نویسد: «وجه تشبیه، نجات و ره یافتگی است. همان‌طور که سرنشینان کشتی نوح نجات یافتند، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نیز نجات امت خود را در گرو گرایش و تمسک به اهل بیت خود قرار داده است. نتیجه و هدف این دستور، برانگیختن امت است بر دوستی و پناه بردن به ریسمان نجات اهل بیت و بزرگداشت مقام ایشان به جهت سپاس‌گزاری و بهره‌برداری از هدایت آنان. هر آن‌که این اعمال را انجام داد و به آن معتقد گشت، شکر نعمت را به‌جا آورده و از تاریکی‌های مخالفت رهایی یافته است؛ و هر آن‌کس مخالف نمود و از این هدایت روی گردان شد، در دریای ناسپاسی، حق‌پوشی و نابودی طغیان افتاده و مستحق جهنم است، چراکه دشمنی با اهل بیت موجب آتش است و این حقیقت پیام برخی از روایات است. چطور این‌گونه نباشد و حال آنکه اهل بیت پیشوایان هدایت و چراغ‌های درخشانده‌ای هستند که خداوند به‌واسطه ایشان بر بندگان خود احتجاج می‌کند. آنان شاخه‌های «درخت مبارک» هستند که خداوند همه رجس‌ها را از آنان دور نموده و طهارت خاصی برای آنان قرار داده است (مناوی، ۱۳۵۶ ق، ج ۲: ۶۵۸ - ۶۵۹ و نیز ر.ک: ابن حجر مکی، ۱۹۹۷، ج ۲: ۴۴۶ - ۴۴۷). حافظ سمهودی نیز درباره حدیث سفینه می‌گوید: «سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که «مثال اهل بیت در میان مردم، به کشتی نوح در قوم خود است» وجه شبه در این روایت، نجات است که شامل افرادی که به کشتی نوح وارد شدند گردید و این روایت امت را به تمسک به اهل بیت (ع) و مودت و تکریم مقام آنان ترغیب می‌کند... بنابراین هر فردی که به این موضوع ملتفت شد، از ظلمت عناد رها شده و شکر نعمت را ادا نموده است و هر کس از کشتی اهل بیت جدا افتد، در دریای

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دژآباد | ۱۰۱

کفران غرق و به واسطه طغیانش نابود شده و جهنم جایگاه او می شود (سمهودی، ۱۴۰۵ ق: ۲۶۳-۲۶۴).

نتیجه گیری

حدیث «سفینه نوح» از احادیث معتبر نزد فریقین است که در آن اهل بیت (ع) به «سفینه نوح» تشبیه شده اند. با توجه به تصریح دانشمندان اهل سنت در حدیث سفینه مصداق اهل بیت همان عترت و آل رسول الله (ص) هستند که تمسک به آنان ضرورت دارد. ادعای فخر رازی مبنی بر ناکافی بودن کشتی (تمسک به اهل بیت (ع)) و نیاز به ستارگان هادی که همان صحابه باشند (با استناد به روایت «اصحابی کالنجوم») از دو جهت مردود است. روایت «اصحابی کالنجوم» به تصریح برخی دانشمندان شاخص اهل سنت روایتی نامعتبر و غیرقابل استناد و از جهت دلالت هم مخدوش و غیرقابل پذیرش است و با آیات قرآن کریم که برخی صحابه را مورد توییح قرار داده و نیز با سیره صحابه که بعضاً مرتکب جنایات متعدد و جنگ های خونینی با یکدیگر شده اند سازگار نیست. از سوی دیگر، با توجه به اوصافی که در قرآن کریم برای این سفینه ذکر شده است، سفینه نوح تحت نظارت و هدایت خداوند بدون نیاز به ستارگان راهنما (که اساساً در آن هوای طوفانی دیده نمی شدند) با سلامت به مقصد رسید؛ بنابراین، تمسک به اهل بیت (ع) موجب نجات و عدم آن مساوی هلاکت می باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Hamed dejabad



<http://orcid.org/0000-0001-5818-6934>

منابع

- ابن أبی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (بی تا). *الجرح والتعديل*، بی جا: بی نا.
- ابن اثیر جزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد. (١٤٠٩ ق). *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دار الفکر.
- ابن بابویه قمی ابوجعفر محمد بن علی. (١٣٧٨ ق). *عیون اخبار الرضا (ع)*، تهران: انتشارات جهان.
- ابن تیمیه حرانی، احمد بن عبدالحلیم. (١٤٠٦ ق). *منهاج السنه النبویه*، بی جا: مؤسسه قرطبه.
- ابن جوزی، أبو الفرج، (١٣٨٥ ق). *الموضوعات*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر العسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی. (بی تا). *تهذیب التهذیب*، بی جا: بی نا.
- ابن حجر المکی الهیتمی. (١٩٩٧ م). *الصواعق المحرقه علی أهل الرفض والضلال والنزده*، تحقیق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي و کامل محمد الخراط، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ابن حزم اندلسی قرطبی، ابومحمد علی بن احمد بن سعید. (١٣١٧ ق). *الفصل فی الملل و الاهواء و النحل*، قاهره: مکتبه الخانجی.
- ابن عاشور، محمدطاهر، (١٤٢٠ ق). *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عبدالبر قرطبی، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، (١٤١٢ ق). *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، بیروت: دار الجیل.
- ابن عدی، أبو أحمد الجرجانی عبدالله بن عبدالله بن محمد. (١٤٠٩ ق). *الکامل فی ضعفاء الرجال*، بیروت: دار الفکر.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر. (بی تا). *احکام القرآن*، بی جا: بی نا.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (١٤٠٨ ق). *البدایه و النهایه*، تحقیق علی شیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (١٤١٩ ق). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دژآباد | ۱۰۳

الکتاب العلمیه.

البانی، محمد ناصرالدین. (۱۴۰۸ ق) *سلسله الاحادیث الضعیفه و الموضوعه و اثرها السیئ فی الامه*، بیروت: المکتب الاسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (بی تا). *صحیح البخاری*، قاهره: موقع وزاره الاوقاف المصریه.

بغدادی، محمد بن حبیب. (بی تا) *المحبر*، به کوشش ایلزه لیختن شتیر، بیروت: دار الآفاق الجدیده.

ترکاشوند، حسن، (۱۳۹۵ ش)، *نقد و بررسی سندی و دلالتی حدیث اصحابی کالنجوم*، قم: مجله کلام اسلامی

حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ ق). *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتاب العلمیه.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی. (بی تا). *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتاب العلمیه. دژآباد، حامد. (۱۳۹۳ ش) *ارزیابی ادله قرآنی خلافت خلفا*، قم: نشر مشعر.

دولابی رازی، ابوبشر محمد بن احمد بن حماد. (۱۴۲۱ ق). *الکنی و الاسماء*، تحقیق ابوقتیبه نظر محمد الفاریابی، بیروت: دار ابن حزم.

ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان. (۱۴۲۲ ق). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق دکتور بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی.

ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان. (۱۹۹۵ م) *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتاب العلمیه.

سبحانی، جعفر، (۱۴۲۴ ق). *سلسله المسائل العقائدیّه*، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.

سمهودی، علی بن عبدالله (۱۴۰۵ ق). *جواهر العقدين فی فضل الشرفین*، بغداد: مطبعة

العانی.

صالحی شامی، محمد بن یوسف. (١٤١٤ ق). *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.

صاوی، احمد بن محمد، (١٤٢٧ ق). *حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

طباطبایی، سید محمدحسین، (١٤١٧ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب. (١٤٠٥ ق) *المعجم الصغیر*، تحقیق محمد شکور محمود الحاج امریر، بیروت: المکتب الاسلامی دار عمار.

طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب، (١٤٠٤ ق). *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل: مکتبه العلوم و الحكم.

طبرسی، فضل بن حسن. (١٣٧٢ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری، محب الدین احمد بن عبدالله، (١٣٥٦ ق). *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*، قاهره، دار الکتب المصریه.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (١٣٨٧ ق). *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن حسن. (١٤١٤ ق). *الرسائل العشر*، قم: موسسه النشر الاسلامی.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عقیلی، أبو جعفر محمد بن عمر بن موسی. (١٤٠٤ ق). *الضعفاء الکبیر*، بیروت: دار المکتبه العلمیه.

فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، (١٤٢٠ ق) *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث

ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی؛ دژآباد | ۱۰۵

العربی.

قضاعی مصری، ابو عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی بن حکمون (۱۴۰۷ ق)،

مسند الشهاب، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرساله.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

مناوی، محمد عبد الروف. (۱۳۵۶ ق) فیض القدير شرح الجامع الصغير، مصر: المكتبة

التجاریة الكبرى.

میر حامد حسین، (۱۳۶۶ ش). عیقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار. اصفهان: کتابخانه

عمومی امام امیر المومنین علی علیه السلام.

میلانی، سید علی، (۱۴۲۹ ق)، اصحابی کالنجوم، قم: الحقائق

نسائی، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن. (۱۳۶۹ ق). الضعفاء والمتروكين، حلب: دار

الوعی.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ ق). اسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه.

References

- Albani, Muhammad Nasir al-Din. (1988). *Silsilat al-Ahadith al-Da'ifah wa al-Mawdu'ah wa Atharuha al-Sayyi' fi al-Ummah*, Beirut: Al-Maktab al-Islami. [In Arabic]
- Al-Hakim al-Nishaburi, Abu Abdullah Muhammad bin Abdullah. (1990). *Al-Mustadrak 'ala al-Sahihayn*, edited by Mustafa Abdul Qadir Ata, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Khatib al-Baghdadi, Abu Bakr Ahmad bin Ali. (n.d.). *Tarikh Baghdad*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Dulabi al-Razi, Abu Bishr Muhammad bin Ahmad bin Hammad. (2000). *Al-Kuna wa al-Asma'*, edited by Abu Qutaybah Nazar Muhammad al-Fariyabi, Beirut: Dar Ibn Hazm. [In Arabic]
- Al-Salihi al-Shami, Muhammad bin Yusuf. (1993). *Subul al-Huda wa al-Rashad fi Sirat Khayr al-'Ibad*, edited by Adel Ahmad Abdul-Mawjud and Ali Muhammad Mu'awwad, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Sawi, Ahmad bin Muhammad. (2006). *Hashiyat al-Sawi 'ala Tafsir al-Jalalayn*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Tabarani, Abu al-Qasim Sulayman bin Ahmad bin Ayyub. (1984). *Al-Mu'jam al-Kabir*, edited by Hamdi bin Abdul-Majid al-Salafi, Mosul: Maktabat al-Ulum wa al-Hikam. [In Arabic]

- Al-Tabarani, Abu al-Qasim Sulayman ibn Ahmad ibn Ayyub. (1984). *Al-Mu'jam al-Saghir*, edited by Muhammad Shakur Mahmoud al-Haj Amrīr, Beirut: Al-Maktab Al-Islami, Dar Ammar. [In Arabic]
- Al-Tusi, Muhammad ibn Hasan. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Aqili, Abu Ja'far Muhammad ibn Umar ibn Musa. (1983). *Al-Du'afa' al-Kabir*, Beirut: Dar al-Maktaba al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Quda'i al-Misri, Abu Abdullah Muhammad ibn Salama ibn Ja'far ibn Ali ibn Hakmun. (1986). *Musnad al-Shihab*, edited by Hamdi ibn Abdul-Majid al-Salafi, Beirut: Mu'assasat al-Risala. [In Arabic]
- Al-Wahidi, Ali ibn Ahmad. (1990). *Asbab Nuzul al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]
- Al-Nasa'i, Ahmad ibn Shu'ayb Abu Abd al-Rahman. (1950). *Al-Du'afa' wa al-Matrukin*, Aleppo: Dar al-Wa'i. [In Arabic]
- Bukhari, Muhammad ibn Ismail. (n.d.). *Sahih al-Bukhari*, Cairo: Ministry of Religious Endowments of Egypt. [In Arabic]
- Baghdadi, Muhammad ibn Habib. (n.d.). *Al-Muhabbar*, Edited by Ilze Lichtenstätter, Beirut: Dar al-Afaq al-Jadidah. [In Arabic]
- Dezhabad, Hamed. (2014). *Evaluation of Quranic Evidence on the Caliphate of the Caliphs*, Qom: Nashr Mushar. [In Persian]
- Fakhr al-Razi, Abu Abdullah Muhammad ibn Umar. (1999). *Mafatih al-Ghayb*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Abi Hatim, Abd al-Rahman ibn Muhammad. (n.d.). *Al-Jarh wa al-Ta'dil*, No place: No publisher. [In Arabic]
- Ibn Athir al-Jazari, Izz al-Din Abu al-Hasan Ali ibn Muhammad. (1988). *Usd al-Ghabah fi Ma'rifat al-Sahabah*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Babawayh al-Qummi, Abu Ja'far Muhammad ibn Ali. (1958). *Uyun Akhbar al-Ridha (A)*, Tehran: Jahan Publications. [In Persian]
- Ibn Taymiyyah al-Harrani, Ahmad ibn Abd al-Halim. (1985). *Minhaj al-Sunnah al-Nabawiyyah*, No place: Mu'assasat Qurtuba. [In Arabic]
- Ibn al-Jawzi, Abu al-Faraj. (1965). *Al-Mawdu'at*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Ibn Hajar al-Asqalani, Abu al-Fadl Ahmad ibn Ali. (n.d.). *Tahdhib al-Tahdhib*, No place: No publisher. [In Arabic]
- Ibn Hajar al-Haytami al-Makki. (1997). *Al-Sawa'iq al-Muhriqah 'ala Ahl al-Rafd wa al-Dalal wa al-Zandaqah*, Edited by: Abd al-Rahman ibn Abdullah al-Turki & Kamil Muhammad al-Kharrat, Beirut: Mu'assasat al-Risalah. [In Arabic]
- Ibn Hazm al-Andalusi al-Qurtubi, Abu Muhammad Ali ibn Ahmad ibn Sa'id. (1899). *Al-Fasl fi al-Milal wa al-Ahwa' wa al-Nihal*, Cairo: Maktabat al-Khanji. [In Arabic]

- Ibn Ashur, Muhammad Tahir. (1999). *Al-Tahrir wa al-Tanwir*, Beirut: Mu'assasat al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Barr al-Qurtubi, Abu Umar Yusuf ibn Abdullah ibn Muhammad. (1992). *Al-Isti'ab fi Ma'rifat al-Ashab*, Beirut: Dar al-Jil. [In Arabic]
- Ibn Adi, Abu Ahmad al-Jurjani Abdullah ibn Abdullah ibn Muhammad. (1988 CE). *Al-Kamil fi Du'afa' al-Rijal*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Arabi, Muhammad ibn Abdullah ibn Abu Bakr. (n.d.). *Ahkam al-Qur'an*, No place: No publisher. [In Arabic]
- Ibn Kathir al-Dimashqi, Ismail ibn Umar. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
- Ibn Kathir al-Dimashqi, Ismail ibn Umar. (1987). *Al-Bidaya wa al-Nihaya*, Edited by Ali Shiri, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. (1983). *Bihar al-Anwar*, Beirut: Mu'assasat al-Wafa. [In Arabic]
- Manawi, Muhammad Abd al-Ra'uf. (1937). *Fayd al-Qadir Sharh al-Jami' al-Saghir*, Egypt: Al-Maktaba al-Tijariyya al-Kubra. [In Arabic]
- Mir Hamid Husayn. (1987). *I'baqat al-Anwar fi Imamat al-A'immah al-At'har*, Isfahan: Kitabkhana Umumi Imam Amir al-Mu'minin Ali (AS). [In Arabic]
- Milani, Sayyid Ali. (2008 CE). *Ashabi Kal-Nujum*, Qom: Al-Haq'a'iq.
- Subhani, Ja'far. (2003). *Series of Doctrinal Issues*, Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Samhudi, Ali bin Abdullah. (1985). *Jawahir al-'Uqdain fi Fadl al-Sharafayn*, Baghdad: Al-Ani Press. [In Arabic]
- Tarkashvand, Hassan. (2016). *Critical Analysis of the Authenticity and Meaning of the Hadith "My Companions Are Like Stars"*, Qom: Islamic Theology Journal. [In Persian]
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. (1993 CE). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran: Nashr Nasir Khosrow. [In Persian]
- Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir. (1967). *Tarikh al-Umam wa al-Muluk*, edited by Muhammad Abu al-Fazl Ibrahim, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Tabari, Muhibb al-Din Ahmad ibn Abdullah. (1937). *Dhakha'ir al-'Uqba fi Manaqib Dhawi al-Qurba*, Cairo: Dar al-Kutub al-Misriyya. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad ibn Hasan. (1993). *Al-Rasa'il al-'Ashr*, Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. [In Persian]

- Zahabi, Shams al-Din Abu Abdullah Muhammad bin Ahmad bin Uthman. (2001). *Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-A'lam*, edited by Dr. Bashar Awwad Ma'ruf, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din Abu Abdullah Muhammad bin Ahmad bin Uthman. (1995). *Mizan al-I'tidal fi Naqd al-Rijal*, edited by Shaykh Ali Muhammad Mu'awwad and Shaykh Adel Ahmad Abdul-Mawjud, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. [In Arabic]

استناد به این مقاله: دژآباد، حامد. (۱۴۰۳). ارزیابی نظریه «نجات در پرتو تمسک به عترت و صحابه»، نقدی بر دیدگاه فخر رازی، دو فصلنامه علمی سراج مُنیر، ۱۵(۴۹)، ۸۳-۱۰۸. DOI: 10.22054/ajsm.2024.76440.1978



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.